

مکتی بر طرح وحدت ملي «ملي یوالی» محترم بناغلی جهانی

نوشته ها، شعرها، مواضع سیاسی و اجتماعی جناب جهانی و درین اواخر نوشته های «ملي یوالی، مسوول خوک دی؟» توجه خاص اینجانب را جلب کرد. بلی پایداری و استواری جناب شان برای من در موضع گیری شان در مورد نتایج انتخابات ریاست جمهوری اخیر در افغانستان با وجود امکانات زیاد دیگر جداً قابل قدر بوده و بر استواری شخصیت شخص دلالت میکند. بلی جناب شان با متانت در موضع مردم و حاکمیت قانون قرار گرفتند. اینکه لقب و تخلص از افغانستان شمولى بالاتر به جهان شمولى میروود و «جهانی» انتخاب میشود این بذات خود گوینده و گواه اراده و انتخاب عمیق انسانی است.

بلی افغانستان فرزندان، شخصیت ها و زعمای بس خوب و قابل قدر دارد که همه به یک صدا برای کار به امر نجات وطن و مردم باید دست بکار شد. درین راستا اظهار اراده و نیت خیر، نوشته یک سلسله اقدامات خیر دیگر هم جای خویش را دارند اما باید بیشتر کار کرد. در طرح ها و پیش طرحه های مندرج این دو نوشته مطالبی است که راه را برای یک تعمق و تفکر و جستجوی راه حل اساسی و بنیادی ازین منجلا ب و تراژیدی مردم افغانستان در طی بیشتر از سه دهه اخیر مطرح میکند.

بهمین ارتباط باز میگردیم مستقیماً باین موضوع که وحدت ملی «مسول خوک دی؟، ملي یوالی». باید گفت که برای جستجوی راه حل و تدای مشکل اولاً باید مشکل را شناخت، تصویر درست عینی از وضع را ترسیم نموده، عوامل آنرا بصورت عینی شناخت و روشن کرد، تا به حل درست و اساسی پرداخت. در مورد موجودیت مشکل و شناخت آن و دادن تصویر از وضع چندان مشکل وجود ندارد. اما در مورد راه حل به مکت و تعمق بیشتر ضرورت است. بلی اینکه مسوول وضع نامناسب غیر قابل تحمل در کشور ما کیست؟ زیاد وخت و فکر کردن نمی خواهد. عوامل زیاد اند که بعضی ازین عوامل عمده، اساسی و تعیین کننده و بعضی دیگر آن فرعی اند.

عوامل وضع موجود در افغانستان و منطقه عواملی داخلی و خارجی اند. بلی از لحاظ تاریخی موقعیت جغرافیایی افغانستان، همسایه های قوی، نقش فتنه گرانه و دو رویه پالیسی سازان اصلی پاکستان و بخشی دیگر از همسایگان ما درین وضع و تراژیدی مردم ما جای و مقام خاص خود را دارند. بلی پالیسی سیاسی سازان اصلی پاکستان در پهلوی سیاست رسمی به ظاهر ضد تروریسم!؟ به تربیت و تقویت ترور پرداخته و درین راستا موفقانه با پر کردن جیبهای خویش از جهان جزیه گرفتند، بازی دادند و موفقانه توانسته اند از نیروهای سیاسی موجود در پاکستان برای اهداف ستراتیژیک ضد افغانی، ضد هندی و سرکوب جنبش های ملی پښتون و بلوچ موفقانه استفاده ببرند.

اینکه مخالفین مسلح حاکمیت کابل در حرکت طالب خلاصه میشود و اینها عامل قتل انسانان بیگناه و تمام آنچه در افغانستان میگذرد شناخته میشوند، برای من تا حال روشن نیست. بفهم من حرکت طالب جزئی از چهره سیاسی مخالفین مسلح است نه کل آن. به حرکت طالب باید به همین مفهوم نگاه کرد.

اما عامل مستقیم و عمده داخلی همان حکومت و اداره ضعیف و احاطه شدن این اداره به افراد چالاک، فتنه گر و فریب کار است که شایستگی مسلکی و مشروعیت سیاسی را نیز ندارند.

درین وضع ضرورت باید کار بیشتر است، دقیق تر و منظم تر را به پیش برد. درین راستا باید تأکید کرد که افغانستان اتباعی دارد که متعلق بمناطق مختلف کشور و مردم اقوام و اتنیک های مختلف کشور و دارای عقاید دینی و سیاسی متفاوت اند. این تفاوت های طبیعی در تعیین و انتخاب نسخه و حاکمیت برای افغانستان باید به اساس اصل تابعیت و هموطنی باشد تا بیشتر طرح مسایل قومی و منطوقی. درین راستا حاکمیت قانون و تطبیق آن و از بین بردن حالت مافیایی باید مطرح باشد. درین راستا آسان سازی هایی که ما مشکل داریم، مشکل دارند. ما موفقیت های داریم و عدم موفقیت های هم داریم و امثال آن آسان سازی و فریب قابل قبول نیست. تفاوت افغانستان با جوامع دیگر و عدم موفقیت های شان درین است که در افغانستان برای پیگرد متخلف اراده سیاسی وجود ندارد و این حالت را حالت مافیایی گویند که تفاوت اساسی با عدم موفقیت ها و نواقص جوامع دیگر فرق دارد.

بلی مقایسه ده سال اخیر به سالهای قبل و نظامهای سیاسی و اقتصادی آنزمان یک مقایسه فریبنده است. امکانات ده، یازده سال اخیر و هدایای زمان درین مرحله امکانات بود که در تناسب دست آورد ها اصلاً قابل پذیرش نیست و بوده نمی تواند. افغانستان و مردم آن فرصت ها و امکانات زیادی را از دست داد.

ما حق نداریم ازین بیش فرصت ها را از دست بدهیم. با یک دید وسیع، بدون تعصب و پیش داوری ها و تاپه زدن ها و تمایلات راست و چپ با در نظر داشت اولویت ها، منافع و مصالح کشور و مردم خویش و امر صلح جهانی باید به شدت کار کرد و این کشتی تیتانیک را به کشتی نجات همراه ساخت.

انتخاب دیگر وجود ندارد. باید تا دیر نشده دست به دست هم داده و در یک پلتفورم وسیع ادای رسالت کرد.

پایان